

134

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده

DECISION

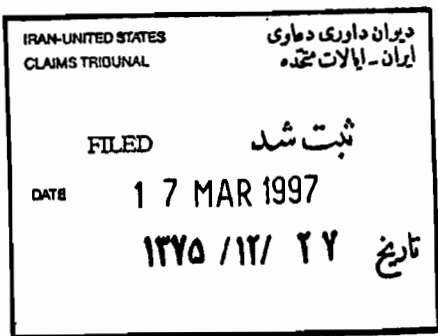
Case No. B36

Chamber Two

پرونده شماره ب - ۳۶

شعبه دو

تصمیم شماره ۲ - ب ۳۶-۳۶ دی.ا.ثی.سی.



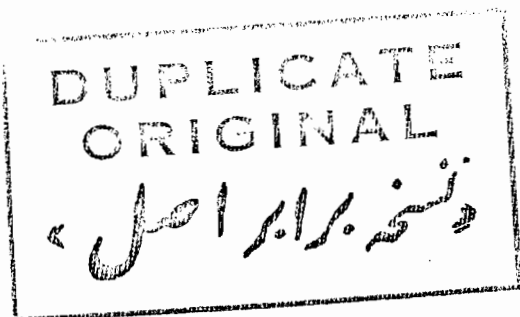
ایالات متحده آمریکا،

خواهان،

و

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.



تصمیم

۱- در تاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۷۵ [سوم دسامبر ۱۹۹۶] دیوان حکم شماره ۲ - ب ۳۶ - ۵۷۴ ("حکم") را در پرونده شماره ب - ۳۶ بین ایالات متحده آمریکا ("ایالات متحده") و جمهوری اسلامی ایران ("ایران") صادر کرد. در حکم مزبور، دیوان ضمن آنکه ادعائی از طرف ایالات متحده، ناشی از قرارداد فروش سال ۱۹۴۵ را به علت فقد صلاحیت رد کرد، حکم نمود که به موجب قرارداد فروش سال ۱۹۴۸ ("قرارداد سال ۱۹۴۸")، ایران مکلف است مبلغ ۲۱،۳۸۹،۸۴۵/۴۷ دلار، به اضافه بهره، به ایالات متحده پرداخت نماید.

درخواست ایران

۲- در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۷۵ [سوم ژانویه ۱۹۹۷]، نماینده رابط ایران از طرف دولت ایران درخواستی تسلیم کرد (منبعد، "درخواست" نامیده می‌شود) مبنی بر اینکه دیوان

رای صادره را نه فقط به این دلیل که متضمن مسأله محاسبه خواسته خواهان [ایالات متحده] بوده و لذا در چهارچوب ماده ۳۶ مقررات دیوان قرار دارد، بلکه بلحاظ اختیارات ذاتی دیوان برای اجتناب از صدور آرای نادرست از طریق تجدیدنظر و سایر طرق غیرمصرح در قواعد دیوان، اصلاح نماید.

۳- نماینده رابط ایالات متحده طی نامه ای که در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۵ [هفتم فوریه ۱۹۹۷] ثبت شد، اظهار نمود که درخواست ایران در شمول مقررات ماده ۳۶ قواعد دیوان یا در چهارچوب رویه دیوان راجع به تصحیح احکام قرار نمی‌گیرد، بلکه ایران در صدد تکرار استدالات پرونده می‌باشد.

۴- در درخواست ایران عمدتاً اظهار شده است که دیوان برخی از استدالات و ادله ارائه شده از طرف ایران را مورد بررسی قرار نداده، و هدفش تجدید نظر در حکم است. خلاصه ای از دلایل ایران در ارائه درخواست به شرح زیر است.

۵- ایران با بند ۴۲ حکم که طی آن نتیجه گیری شده است که "اختلافی وجود ندارد که وسایل خریداری شده [طبق قرارداد سال ۱۹۴۸] عملاً تحویل گردید"، مخالف است و اظهار می‌دارد که ادله موجود در سوابق پرونده مؤید نتیجه گیری مزبور نیست و ادعا می‌کند که استدلالات ایران درباره این موضوع در حکم ذکر نشده است. در درخواست همچنین آمده است که در جلسه استماع، مشاور حقوقی ایران استدلال کرد که تحویل ارقام خریداری شده به اثبات نرسیده و ثابت کرد که ایران در موقع مقتضی به عدم تحویل ارقام اعتراض کرده بود.

۶- ایران مضافاً به نظر اعلام شده در بند ۴۴ حکم اعتراض دارد. در بخش زیربند مزبور نظر داده شده است که "دلیل و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران هیچگاه به درستی [صورتحسابهای مربوط به دیون ناشی از قرارداد سال ۱۹۴۸] ایرادی گرفته و یا وجود بدهیها را جداً منکر شده باشد". ایران اظهار می‌دارد که این نتیجه گیری نیز بدون بررسی ادله و استدلالات ایران به عمل آمده است. ایران معتقد است که هیچگاه بدهی مربوط به قرارداد سال ۱۹۴۸ را قبول نکرده و ایالات متحده نیز انتظار نداشت که ایران صورتحساب های مزبور را بپردازد. ایران مضافاً اظهار می‌دارد که صرف صدور صورتحساب ها، دلیل اجرای قرارداد یا استحقاق دریافت مبلغ صورتحساب نیست.

۷- محاسبه بهره نیز نکته دیگری است که ایران در درخواست مطرح کرده و استدلال نموده است که دیوان علی‌رغم فقدان هرگونه دلیل تحویل طبق الزام قرارداد، بهره را از تاریخ تحویل اجناس محاسبه کرده است.

۸- و بالاخره، ایران اظهار می‌دارد که دیوان امتیازاتی را که مقامات ایالات متحده در جریان مذاکرات با مقامات ایرانی قائل شدند نادیده گرفته، در حالیکه امتیازات مذکور در مدارک موجود در پرونده منعکس می‌باشد. طبق اظهار ایران، مقامات ایالات متحده در جریان مذاکرات مزبور اظهار نمودند که دولت متبوع آنها انتظار ندارد وجهی بابت قراردادهای بعد از جنگ دریافت نماید و خود را مستحق دریافت بهره نسبت به آن نمی‌داند.

۹- دیوان نخست به آن بخش از درخواست می‌پردازد که مبتنی بر ماده ۳۶ قواعد دیوان است. ایران اظهار می‌دارد که درخواست وی در چهارچوب ماده ۳۶ قواعد دیوان قرار دارد، زیرا تصحیح مورد درخواست "متضمن مسئله محاسبه خواسته [ایالات متحده] است."

۱۰- حکم شماره ۲ - ب ۳۶ - ۵۷۴ در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۱۳۷۵ [چهارم دسامبر ۱۹۹۶] به نمایندگان رابط ایران و ایالات متحده ابلاغ شد. بدینسان، درخواست مزبور، تا جایی که بر مبنای بند ۱ ماده ۳۶ قواعد دیوان به عمل آمده، ظرف سی روز پس از دریافت حکم تسلیم گردیده که در قواعد دیوان مقرر شده است. بر این اساس، دیوان نظر می‌دهد که این بخش از درخواست به موقع تسلیم گردیده است.

۱۱- ماده ۳۶ قواعد دیوان اجازه می‌دهد که "اشتباه محاسبه، غلط‌های انشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست" در حکم تصحیح شود. دیوان پیش از این نظر داده است که تصحیح مورد نظر در ماده مزبور "به منزله تجدید نظر در حکم به مفهوم تغییر یک تصمیم ماهوی نیست"، و "صرفاً حذف آن چیزی است که از جنبه حقوقی بخشی از حکم را تشکیل نمی‌دهد و اعاده مندرجات صحیح حکم به همان صورتی که توسط دیوان اتخاذ شده می‌باشد". پرونده **هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران**، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ مورخ ۲۳ آذر ماه ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]، بند ۱۰ (منبع، "برنهام"). کوشش برای تجدید استدلال راجع به برخی از جنبه‌های پرونده یا تجدیدنظر در نتیجه‌گیریهای احکام صادره دیوان، هیچگونه مبنائی در قواعد دیوان ندارد. به عنوان مثال، بنگرید به: **کالینز سیستمز اینترنشنال، اینک و نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران**، تصمیم شماره ۲-۴۳۱-۱۰۴ مورخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۷۱ [۱۶ ژوئن ۱۹۹۲]، بند ۶، چاپ شده در: 28 Iran- U.S. C.T.R. 195, 196؛ و برنهام، بندهای ۱۲-۱۳.

۱۲- دیوان، حکم صادره و به ویژه، ارقام و محاسبات انجام شده در تعیین مبلغ قابل پرداخت به ایالات متحده را بررسی نموده است. هیچگونه اشتباهی در محاسبه یا اشتباهی مشابه آن یافت نشده است. بدین دلیل، دیوان درخواست را، تا جایی که بر مبنای ماده ۳۶ قواعد دیوان است، رد می‌کند.

۱۲- لیکن، از آنجا که درخواست ایران گسترده تر از درخواستی است که بر مبنای ماده ۳۶ به عمل آمده باشد، دیوان اینک به بررسی آن مبنای گسترده تر می‌پردازد.

اختیار ذاتی دیوان برای تجدیدنظر

۱۴- درخواست ایران، گذشته از اشاره به ماده ۲۶ قواعد دیوان (بنگرید به: بندهای ۱۲-۸ بالا)، مبنای دیگری نیز دارد که ایران آن را "اختیار ذاتی دیوان" برای تجدیدنظر در احکام صادره خود می‌نامد. این مسأله که آیا دیوان بدون تفویض صریح اختیار می‌تواند نتیجه گیری های خود در ماهیت دعوی را پس از صدور حکم مجدداً بررسی نماید یا خیر، قبلاً به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بنگرید به: پرونده دیمز اندمور و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، تصمیم شماره ۳-۵۴-۳۶ مورخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۲ آوریل ۱۹۸۵]، چاپ شده در: Iran- U.S. C.T.R. 107, 117: 8؛ پرونده رام اینترنشنال اینداستریز، اینک و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۱-۱۴۸-۱۱۸ مورخ هفتم دی ماه ۱۳۷۲ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۳]، بندهای ۲۰-۱۵ (منبع، "رام") و برنام، بندهای ۲۱-۱۴.

۱۵- دیوان در تصمیم خود در پرونده رام خاطرنشان نمود که "احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت که دیوانی مانند دیوان حاضر . . . اختیار تجدیدنظر در تصمیماتی را که با القای تقلب صادر می‌شوند دارد." همان مأخذ، بند ۲۰ (پانوش حذف شده است). دیوان به امکان دیگری نیز اشاره کرد: کشف واقعیتی جدید که "باید قاطع باشد به این معنی که هرگاه در کنار سایر واقعیات بررسی شده قبلی در پرونده قرار گیرد، موازنه، و به تبع آن، استنتاجات دیوان را جداً برهم زند". همان مأخذ. در مورد کشف واقعیت جدید، موضوع به همین جا خاتمه نمی‌یابد. چند شرط قبلی دیگر نیز باید موجود باشد تا بازگشائی و بررسی مجدد پرونده ای را توجیه نماید. پرونده رام، به عنوان مثال، نکر می‌کند که "این محدودیت که عدم اطلاع از واقعیت جدید ناشی از مسامحه" طرف متقاضی نبوده یا اینکه درخواست بموقع مطرح گردیده باشد. همان مأخذ، بند ۲۴.

۱۶- دیوان مشابهاً در پرونده برنام خاطرنشان نمود که "این امکان را منتفی نمی‌داند که غیر از کلاهبرداری، احتمال دارد مبنا یا مبنای استثنائی و جدی مشابهی نیز شاید بتواند اساس درخواست تجدیدنظر در احکام دیوان قرار گیرد." همان مأخذ، بند ۱۹.

۱۷- در درخواست حاضر، ایران مدعی کلاهبرداری یا شهادت خلاف واقع نشده و یا ادله قاطع جدیدی ارائه نکرده است. اظهارات ایران کاملاً عاری از آنچنان مواردی است که احتمالاً بتواند منجر به تجدید بررسی حکم شود. ایران استدلالاتی را که دیوان به یاری آنها به استنتاجات خود دست یافت مورد تردید قرار می‌دهد. اظهارات ایران برای دیوان متقاعد کننده نیست. علاوه بر این، در درخواست مزبور هیچگونه ادله ای ذکر نشده است که در هنگام شور دیوان در پرونده حاضر موجود نبوده باشد. در نبود هر گونه مبنای استثنائی که درخواست بر آن استوار باشد، دیوان لازم نمی‌داند در این باره تصمیم گیرد که آیا اختیار ذاتی یا تلویحی برای تجدیدنظر در حکم خود در پرونده حاضر دارد یا خیر.

نتیجه گیری

۱۸- بنا به ملاحظات پیشگفته، دیوان نظر می‌دهد که درخواست ارائه شده توسط ایران باید مردود شناخته شود.

۱۹- بنا به دلایل بالا:

دیوان به شرح زیر تصمیم می‌گیرد:

درخواستی که در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۷۵ [سوم ژانویه ۱۹۹۷] توسط نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم شد، رد می‌شود.

لاہہ

۲۷ اسیفند ماہ ۱۳۷۵ برابریا ۱۷ مارس ۱۹۹۷

Gregory Kubanov

کریستوف اسکوبیشفسکی

رئیس شعبہ دو

به نام خدا

کورش حسین عاملی

کورش حسین عاملی

George J. Aldrich

جورج اچ. آلدریچ